

Effect of herbicides and handweeding in control of weed in winter seeding and spring sown lentil (*Lens culinaris*)

حسن کریم مُجَنی^۱، حسن محمد علیزاده^۲، ناصر مجنون حسینی^۳ و سیدعلی پیغمبری^۴

() ()

+ + + + +
+ + + + +
+ + + + +

علف‌های هرز نسبت داد (کانونی ۱۹۹۵). کشت عدس در ایران از دیر باز به صورت بهاره مرسوم بوده است. لیکن به دلیل بارندگی‌های زمستانه و رطوبت زیاد خاک جهت انجام عملیات خاکورزی و تهیه بستر بذر، معمولاً

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۳/۳/۷

عملکرد نسبی عدس به دلایل مختلف در کشور پایین است که علت این مسأله را می‌توان به عدم انتخاب تاریخ کاشت مناسب و مبارزه صحیح و به موقع با

تاریخ دریافت: ۱۳۸۲/۱۰/۶

۲- استادیار- دانشگاه تهران

۱- دانشجوی ارشد- دانشگاه تهران

کاشت عدس در بعضی مواقع تا اوایل اردیبهشت به تعویق می افتد (پزشکیپور، ۱۳۸۱). در سال های اخیر در بعضی نقاط، کاشت عدس و نخود در اواخر پائیز و یا اوایل زمستان به عنوان کشت انتظاری (خفته) انجام می شود. در این روش بذر عدس هم زمان با کاهش دمای محیط در اواخر پائیز و یا اوایل زمستان کشت شده و در زمستان به صورت جوانه نزن در زیر خاک باقی مانده و در اواخر زمستان پس از مساعد شدن شرایط آب و هوایی رشد خود را آغاز می کند. عملکرد گیاهان کشت شده به صورت خفته به دلیل استقرار مناسب گیاه و استفاده بهتر از نزولات جوی و فرار از تنش های گرما و خشکی رایج در اواخر بهار و تابستان بیشتر می باشد. علاوه بر آن در کاشت خفته دوره رشد رویش گیاه و بیوماس آن افزایش یافته و این افزایش سبب می شود که مخازن زایشی گیاه که در شرایط مناسب رطوبتی و دمایی ایجاد شده اند به نحو مناسبی تأمین شده و لذا عملکرد افزایش یابد (Singh et al., 1997). در این روش مشکل اصلی، وجود علف های هرز است (Hawtin and Sing, 1984; Mishra et al., 1996). نتایج گزارش های متعدد مؤید این مطلب است که عدس به شدت مغلوب علف های هرز می گردد (Curan et al., 1987; Esser et al., 1999; Hernando et al., 1987) با توجه به این که سبز شدن عدس خیلی کندتر از علف های هرز می باشد و نیز سرعت رشد آن در اوایل رشد رویشی کم است، بنابراین گیاه در مرحله جوانی رقیب بسیار ضعیفی برای علف های هرز می باشد و کانوپی آن تا مدت ها بعد از کاشت کاملاً سطح خاک را نمی پوشاند (تاب، ۱۳۸۰). در این مرحله، رشد سریع قسمت های هوایی و ریشه علف های هرز باعث می شود که در صورت عدم کنترل، آن ها به راحتی بر گیاه زراعی غلبه کنند. کنترل شیمیایی علف های هرز در عدس به طور دقیق مورد بررسی قرار نگرفته به طوری که در ایران برای کنترل

علف های هرز در این محصول تنها دو علفکش توصیه شده است (زند و همکاران، ۱۳۸۲). بررسی ها نشان داده که کاربرد تنها یک روش برای کنترل علف های هرز در این محصول نمی تواند نتیجه خوبی به همراه داشته باشد (El-Raouf et al., 1993; Singh et al., 1994; Mohamed et al., 1997). برای افزایش کارایی کنترل علف های هرز به کارگیری تلفیقی از علفکش های شیمیایی با یکدیگر و یا تلفیق روش شیمیایی با روش های مکانیکی ضروری است. آهوجا و همکاران (Ahuja et al., 1995) تأثیر علفکش های فلوکلرالین (۰/۷۵ کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار)، پندیمتالین (۰/۷۵ کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار) و ایزوپروتورون (۰/۷۵ کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار) را بر روی محصولات عدس و نخود بررسی کردند و نشان دادند که عملکرد بذر عدس و نخود در تیمارهای کاربرد علفکش های یاد شده به طور معنی داری افزایش پیدا کرده است، به طوری که علفکش فلوکلرالین مؤثرترین تیمار در کاهش وزن خشک علف های هرز بوده است. محمد و همکاران (Mohamed et al., 1997) در سودان در آزمایشی که به منظور تأثیر مخلوط علفکش های مختلف در کنترل علف های هرز عدس داشتند. اعلام کردند که مخلوط علفکش های ایمازاتاپیر (۰/۰۵ کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار)، متریبوزین (یک کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار) و پرومترین (یک کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار) با پندیمتالین (۱/۲ کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار)، توانستند علف های هرز را به طور مؤثری کنترل و عملکرد عدس را افزایش دهند. در بررسی دیگر از بین روش های مختلف کنترل علف هرز شامل وجین دستی در ۳۰ و ۶۰ روز بعد از کاشت، کاربرد علفکش گزاگارد ۸۰٪ (۲۵۰ گرم در هکتار) و کاربرد متریبوزین ۷۰٪ (۳۰۰ گرم در هکتار)، تیمار دو بار وجین دستی بهترین کنترل علف هرز و در نتیجه بالاترین عملکرد را داشته است و بعد از آن کاربرد

علفکش گزاگارد ۸۰٪ بیشترین عملکرد را داشته است (Saleeb and Al-Assily, 2001). از نتایج بررسی‌های به عمل آمده، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اعمال مدیریت صحیح در انتخاب تاریخ کاشت مناسب و به کارگیری روش‌های تلفیقی کنترل علف‌های هرز در مزرعه عدس به کاهش رقابت علف‌های هرز و افزایش عملکرد دانه کمک می‌کند. هدف از این آزمایش بررسی کنترل علف‌های هرز پهن برگ عدس در کشت زمستانه و بهاره عدس با استفاده از تلفیقی از روش‌های شیمیایی با یکدیگر و نیز با وجین دستی بوده است.

آزمایش در زمینی که سابقه آلودگی یکنواخت به علف‌های هرز داشت به صورت طرح کرت‌های خرد شده در قالب بلوک‌های کامل تصادفی با چهار تکرار در سال زراعی ۸۱-۱۳۸۰ در مزرعه تحقیقاتی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران واقع در دولت آباد کرج با عرض جغرافیایی ۳۴°، ۳۵° شمالی و طول جغرافیایی ۵۷°، ۵۰° شرقی و با ارتفاع ۱۱۶۰ متر از سطح دریا و بارندگی متوسط سالیانه ۲۴۰ میلیمتر انجام گرفت. بر اساس آزمایش‌های خاک‌شناسی بافت خاک مزرعه رسی لومی با pH برابر ۷/۵ بود. دو نوع کشت، انتظاری (خفته) و معمول (بهاره) به عنوان سطوح فاکتور اصلی و ۱۱ شیوه کنترل علف‌های هرز (علفکش‌ها و وجین دستی) به عنوان سطوح فاکتور فرعی به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفتند:

علف‌کش تریفلوراین (۹۶۰ گرم ماده مؤثره در هکتار) + علف‌کش پیریدیت (۱/۲ کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار)، علفکش تریفلوراین (۹۶۰ گرم ماده مؤثره در هکتار) + علفکش اکسی فلورفن (۴۸۰ گرم ماده مؤثره در هکتار)، علفکش تریفلوراین (۹۶۰ گرم ماده مؤثره در هکتار) + یک بار وجین تکمیلی، علفکش پندیمتالین (۱/۳۲ کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار) + علفکش پیریدیت (۱/۲ کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار)،

علفکش پندیمتالین (۱/۳۲ کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار) + علفکش اکسی فلورفن (۴۸۰ گرم ماده مؤثره در هکتار)، علفکش پندیمتالین (۱/۳۲ کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار) + یک بار وجین تکمیلی، علفکش سیانازین (۱ کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار)، علفکش اکسی فلورفن (۴۸۰ گرم ماده مؤثره در هکتار)، علفکش پیریدیت (۱/۲ کیلوگرم ماده مؤثره در هکتار) و دو شاهد عاری و تداخل با علف‌های هرز در تمام فصل رویش.

شایان ذکر است که با توجه به نتایج آزمایش‌های قبلی کاربرد دو علفکش تریفلورالین و پندی متالین به تنهایی قادر به کنترل علف‌های هرز عدس نبوده‌اند (تاب ۱۳۸۰ و Singh et al., 1994). لذا از اعمال این تیمارها صرف‌نظر گردید. ولی با توجه به این که در مورد بقیه علفکش‌ها اطلاعاتی در دسترس نبود لذا از تیمار انفرادی آن‌ها استفاده گردید. و نیز وجین دستی که در این آزمایش استفاده شد از نوع وجین سبک و تکمیلی بود یعنی به دلیل آلودگی نسبتاً کم کرت‌های آزمایش به علف‌های هرز در اثر مصرف علفکش‌های پیش رویشی این وجین با نیروی کارگر کمتری انجام شد.

زمین محل آزمایش در سال قبل زیر کشت جو بود. عملیات آماده سازی بستر بذری شامل شخم، دیسک، تسطیح و پخش ۴۶ کیلوگرم در هکتار کود فسفر از منبع فسفات آمونیوم بود. پس از آماده سازی زمین نسبت به تهیه جوی و پشته اقدام گردید. در هر کرت هشت ردیف به طول ۵/۵ متر، فاصله بین ردیف ۲۵ سانتیمتر، عمق سه سانتیمتر و فاصله بوته در روی ردیف پنج سانتیمتر کشت شدند. رقم عدس انتخاب شده به نام زیبا و از نوع اصلاح شده، با قوه نامیه ۹۶٪ و وزن هزار دانه ۳۷/۳۱ گرم بود. بذور قبل از کشت با سم قارچکش ویتاواکس ضد عفونی شدند. عملیات کاشت به صورت دستی انجام شد. در تاریخ دهم بهمن ماه سال ۱۳۸۰ کشت انتظاری به صورت هیرم کاری انجام شد و کاشت

گردیدند. به منظور محاسبه راندمان تیمارهای آزمایشی از فرمول زیر استفاده شد:

$$R = 100 - A/B \times 100$$

که در این رابطه A وزن خشک یا تراکم در یک قطعه مورد آزمایش و سمپاشی شده و B وزن خشک یا تراکم قطعه شاهد (سمپاشی نشده) و R درصد کاهش علف هرز پس از سمپاشی می باشد.

جهت تخمین عملکرد دانه با حذف اثرات حاشیه مساحت ۲/۲۵ مترمربع از هر کرت (با استفاده از کوادرات ۱/۵ در ۱/۵) برداشت گردید و پس از جداسازی کاه و کلش عملکرد دانه تعیین گردید. اعداد و ارقام به دست آمده با استفاده از برنامه SAS و Minitab مورد آنالیز آماری قرار گرفتند. جهت بررسی توزیع نرمال داده‌های آزمایش از آزمون‌های مختلف مانند کولموگروف- اسمیرنوف و... (با استفاده از برنامه‌های موجود در نرم‌افزار Minitab) استفاده گردید. حتی‌المقدور سعی گردید از داده‌های اصلی برای آنالیز واریانس استفاده گردد. ولی در صورت لزوم ابتدا بر روی برخی از داده‌ها تبدیل صورت گرفته و سپس آنالیز واریانس انجام گردید. در اغلب موارد تبدیل رادیکالی بهترین جواب را داد. میانگین‌ها با آزمون چند دامنه‌ای دانکن مقایسه شدند.

علف‌های هرز موجود در کرت‌های آزمایشی به تفکیک جنس و گونه عبارت بودند از تاج خروس (*Amaranthus lividus* L.)، سلمه تره (*Chenopodium album* L.)، پیچک (*Xanthium brasiliacum* Vellozo)، پیچک (*Convolvulus arvensis* L.)، تاج‌زری (*Solanum nigrum* L.)، یونجه گل‌زرد (*Melilotus officinalis* L.)، سی‌زباب (*Veronica persica* Poir.) و علف هفت‌بند

بهاره در ششم فروردین ماه ۱۳۸۱ انجام پذیرفت. برای تعیین تعداد دقیق بوته در هر مترمربع (۸۰ بوته در هر مترمربع) عملیات تنک طی یک مرحله به هنگام دو تا سه برگی شدن بوته‌ها انجام شد. آبیاری به طریقه نشتی صورت گرفت. پس از اولین آبیاری فواصل آبیاری مطابق نیاز گیاه، بین هفت تا ده روز تنظیم شد و تا یک هفته پیش از برداشت محصول ادامه یافت. به دلیل عدم خسارت آفات از هیچ سم آفت‌کشی استفاده نشد. برای کاربرد علفکش‌ها از سمپاش موتوری پستی لانس دار مدل اکو با بوم دستی با چهار نازل از نوع تی جت به شماره ۸۰۰۲ با عرض پاشش دو متر و فشار ۲/۵ بار استفاده گردید. علفکش تریفلوراین با میزان موردنظر به صورت قبل از کاشت و اختلاط با خاک (Pre-planting) استفاده و پس از سمپاشی به وسیله شنکش، علفکش با خاک مخلوط گردید. علفکش‌های پندی متالین و سیانازین یک روز بعد از کاشت و قبل از سبز شدن محصول (Pre-emergence) به کار برده شدند. علفکش‌های پیریدیت و اکسی فلورفن هم بعد از سبز شدن محصول (Post-emergence) در مرحله چهار تا شش برگی عدس (ارتفاع چهار تا هشت سانتیمتری) و مرحله دو تا چهار برگی علف‌های هرز به کار برده شد. هم‌زمان با کاربرد علفکش‌های یاد شده در کرت‌هایی که وجین لازم بود وجین دستی انجام گرفت.

جهت ارزیابی اثر بخشی علفکش‌ها روی علف‌های هرز، تعداد علف‌های هرز (در مترمربع)، به تفکیک گونه در زمان قبل از اعمال تیمارهای پس رویشی هم‌چنین تعداد بوته (در مترمربع) و وزن خشک (گرم بر مترمربع) علف‌های هرز در زمان دو هفته پس از اعمال تیمارهای پس رویشی و مرحله رسیدگی فیزیولوژیک عدس اندازه‌گیری شدند. در نمونه‌گیری‌های یاد شده علف‌های هرز با استفاده از دو کادر چوبی ۰/۵ در ۰/۵ متری، از سطح خاک قطع شدند. بوته‌های هر گونه در داخل آون تهویه‌دار تحت دمای ۷۰ درجه سانتیگراد و به مدت ۷۲ ساعت خشک و بلافاصله پس از خروج از آون، توزین

(*Polygonum aviculare* L.) در این آزمایش علف‌های هرز تاج خروس و سلمه تره گونه‌های غالب بودند. که اثر تیمارهای آزمایشی بر آن‌ها و نیز بر مجموع علف‌های هرز پهن برگ بررسی شد. از آن جایی که در نمونه‌برداری نوبت اول، در تیمارهای تلفیق علفکش‌های خاک مصرف با علفکش‌های پس‌رویشی و نیز وجین دستی هنوز تیمارهای پس‌رویشی اعمال نگردیده بود، لذا نتایج این تیمارها در نمونه‌برداری نوبت اول مورد بحث قرار نمی‌گیرد. هم‌چنین برای ارائه نتایج در نمونه‌برداری‌های دوم و سوم از وزن خشک علف‌های هرز و در نمونه‌برداری اول به دلیل ناچیز بودن وزن خشک از تراکم آن‌ها بهره گرفته شده است.

(

نتایج نشان داد که تاریخ کاشت اثر معنی‌داری روی تراکم تاج خروس و سلمه تره نداشته است ولی تأثیر تیمارهای مختلف کنترل در کاهش تعداد این علف‌های هرز معنی‌دار بود (جدول ۱). مقایسه میانگین تیمارهای آزمایشی در کنترل تاج خروس نشان داد که بیشترین راندمان کنترل مربوط به علفکش تری‌فلورالین به میزان ۸۱٪ و بعداز آن مربوط به علفکش پندیمتالین (۸۰٪)

جدول ۱- نتایج تجزیه واریانس اثرات تاریخ کاشت و علفکش‌های پیش‌رویشی بر کاهش تراکم گونه‌های تاج خروس، سلمه تره و مجموع علف‌های هرز پهن برگ

Table1. Analysis of variance of the effects of sowing dates and pre-emergence herbicides on density reduction of Common lamb'squarters and Amaranth and total broadleaved weeds

S. O. V.	منابع تغییرات	درجه آزادی df	MS		
			تاج خروس Amaranth	سلمه تره Common lamb' squarters	مجموع علف‌های هرز پهن برگ Total broadleaved weeds
Replication	تکرار	3	0.01	0.02	0.08
Sowing date	تاریخ کاشت	1	0.001 ^{ns}	0.06 ^{ns}	0.005 ^{ns}
Errors (A)	خطای (الف)	3	0.09	0.03	0.05
Weed control (B)	کنترل علف‌های هرز (ب)	4	1.69**	0.71**	1.36**
(A × B)	اثر متقابل (الف و ب)	4	0.005 ^{ns}	0.11 ^{ns}	0.01 ^{ns}
Error (B)	خطای (ب)	24	0.058	0.07	0.04
(CV%)	ضریب تغییرات		44.2	25.06	39.01

ns، * و **: به ترتیب غیرمعنی‌دار، معنی‌دار در سطح ۵ و ۱٪ احتمال.

ns, * and **: Non significant, significant at the 5 and 1% levels of probability, respectively.

جدول ۲- مقایسه میانگین (دانکن) راندمان علفکش‌های پیش‌رویشی در کنترل علف‌های هرز تاج خروس، سلمه‌تره و مجموع علف‌های هرز پهن برگ (براساس درصد کاهش تعداد علف هرز)

Table2. Mean comparison of the efficacy of pre- emergence herbicides on control of Common lamb'squarters and Amaranth and total broadleaved weeds (based on reduction percentage of weed density)

مجموع علف‌های هرز پهن برگ	سلمه تره	تاج خروس	سطوح کنترل علف‌های هرز
Total broadleaved weeds	Common lamb' squarters	Amaranth	Levels of weeds control
(%)	(%)	(%)	
70 ^a	70 ^a	81 ^a	تری فلورالین
74 ^a	81 ^a	80 ^a	پندی متالین
21 ^b	24 ^b	9 ^b	سیانازین
100 ^a	100 ^a	100 ^a	شاهد عاری از علف هرز (WF)
0 ^b	0 ^b	0 ^b	شاهد آلوده به علف هرز (WI)

اختلاف اعداد هر ستون که دارای یک حرف مشترک باشند از نظر آماری بر حسب آزمون چنددامنه‌ای دانکن در سطح پنج درصد معنی‌دار نمی‌باشد.

Means followed by the same letters in each column are not significantly different (Duncan multiple rang test 5%)

هرز پهن در سطح یک درصد معنی‌دار بود (جدول ۱).
مجموع تعداد علف‌های هرز پهن برگ در تیمارهای علفکش‌های پیش‌کاشت به طور معنی‌داری نسبت به شاهد آلوده به علف هرز کاهش یافت. به طوری که بیشترین اثر بخشی مربوط به علفکش پندیمتالین با راندمان ۷۴٪ و بعد از آن علفکش ترفلان با اثربخشی ۷۰٪ قرار داشت و کمترین راندمان را علفکش سیانازین به میزان ۲۱٪ از خود نشان داد (جدول ۲). در هر حال هیچ یک از علفکش‌های پیش‌رویشی به تنهایی نتوانستند از لحاظ کنترل علف‌های هرز راندمان خیلی بالایی از خود نشان دهند. نا کارا بودن کاربرد این علفکش‌ها به تنهایی در کنترل کامل علف‌های هرز توسط سایر محققین نیز تأیید شده است (William,1990; Podlesny, 1995).

در حالی که راندمان روش‌های مختلف در کنترل تاج خروس و سلمه تره در هر دو نوبت نمونه‌گیری در سطح احتمال ۱ درصد معنی‌دار بود (جدول ۳). مقایسه میانگین روش‌های مختلف کنترل در روی کارآیی کنترل تاج خروس در هر دو نوبت نمونه‌گیری حاکی از آن است که کمترین راندمان در تیمار شاهد بدون وجین به دست آمد و با سایر تیمارهای آزمایشی به دلیل عدم کاربرد هر گونه تیمار شیمیایی یا مکانیکی تفاوت معنی‌داری نشان داده است (جدول ۴).

در ۱۵ روز پس از سمپاشی بالاترین راندمان کنترل تاج خروس مربوط به شاهد با وجین دستی در تمام فصل بود که با تیمارهای تری‌فلورالین + اکسی‌فلورفن، پندیمتالین + پیریدیت، پندیمتالین + اکسی‌فلورفن، تری‌فلورالین + وجین، پندیمتالین + وجین و پیریدیت به ترتیب با راندمان ۹۶، ۹۶، ۹۵، ۹۴ و ۷۷ درصد تفاوت معنی‌داری نشان نداده است (جدول ۴). در حالی که کمترین اثر بخشی را علفکش سیانازین با راندمان ۴٪ داشته که با شاهد آلوده به علف هرز در یک گروه آماری قرار داشتند. کارآیی اکسی‌فلورفن در کنترل تاج خروس در این مرحله ۷۳٪ بوده است.

(
اثر تاریخ کاشت در کاهش وزن خشک تاج خروس و سلمه تره در هر دو نوبت نمونه‌گیری (۱۵ روز پس از سمپاشی و هم‌زمان با رسیدگی محصول) معنی‌دار نبود.

در زمان رسیدگی محصول وزن خشک تاج خروس در تمام سطوح کنترل علف هرز به جز علفکش سیانازین به طور معنی‌داری و به میزان ۷۱ تا ۹۴ درصد نسبت به شاهد تداخل تمام فصل علف هرز کاهش نشان داد. بین سطوح کنترل علف هرز به جز علفکش سیانازین از نظر آماری تفاوت معنی‌داری با شاهد آلوده به علف هرز مشاهده نشد. کاهش وزن خشک در تیمار سیانازین حدود ۱۲ درصد بود. وزن خشک تاج خروس در سطوحی که علاوه بر تیمار پیش رویشی دارای تیمار پس رویشی نیز بودند بین ۸۷ تا ۹۴ درصد در مقایسه با شاهد آلوده به علف هرز کاهش داشت. در سطوحی که تنها علفکش‌های پس رویشی مصرف گردیده بود بالاترین اثر بخشی را علفکش پیریدیت (به میزان ۷۱ درصد) و پائین‌ترین اثر بخشی را تیمار اکسی فلورفن (۶۰ درصد) نسبت به شاهد علف هرز اعمال کردند.

به نظر می‌رسد که استفاده از تلفیق علفکش‌ها یا تلفیق علفکش و یک وجین دستی اثر بخشی بیشتر و طولانی‌تری نسبت به کاربرد تنها از یک علفکش در کاهش وزن خشک تاج خروس وحشی در طول مدت رویش محصول عدس داشته است. از طرفی اگرچه تأثیر اکثر علفکش‌ها در گذشت زمان کاهش یافته ولی این کاهش دوام در مورد سطوحی که تنها یک علفکش به کار گرفته شده بیشتر بوده است. و نیز در مورد علفکش اکسی فلورفن، به دلیل تماسی بودن این علفکش، کاهش اثر آن با گذشت زمان بیشتر بوده است. پس از اعمال تیمارهای پس رویشی در زمان اولین نمونه‌برداری وزن خشک سلمه‌تره در کلیه سطوح کنترل به جز تیمار سیانازین، نسبت به شاهد آلوده به علف هرز به طور معنی‌داری کاهش یافته بود. در این زمان در بین تیمارهای مختلف، تیمارهای تلفیق تری‌فلورالین با پیریدیت، پندیمتالین با اکسی فلورفن، پندیمتالین با پیریدیت و تری فلورالین با اکسی فلورفن، تری فلورالین با وجین و پندیمتالین با وجین بیشترین (به ترتیب ۹۹، ۹۹، ۹۸، ۹۷ درصد) و تیمار سیانازین کمترین

اثر بخشی (۳۹ درصد) را در کاهش وزن خشک سلمه‌تره نشان دادند. از نظر آماری کلیه تیمارها به جز علفکش سیانازین تفاوت معنی‌داری را با شاهد وجین کامل نشان دادند (جدول ۴). مقایسه کارآیی روش‌های مختلف در کنترل سلمه‌تره در زمان رسیدگی محصول نشان داد که بین کلیه سطوح کنترل با شاهد آلوده به علف هرز از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بالاترین کنترل در این زمان توسط تیمار پندیمتالین + اکسی فلورفن (۹۹ درصد) و پائین‌ترین کنترل توسط تیمار سیانازین (۲۷ درصد) نسبت به شاهد علف هرز اعمال گردیده بود. در این زمان نیز کارآیی تیمارهای تلفیقی به طور محسوسی بالاتر از تیمارهایی است که تنها از یک روش برای کنترل علف هرز استفاده شده است. تراپودی و تایواری (Trivedi & Tiwari, 1986)، محمد و همکاران (Mohamed et al., 1997) کارآیی اکسی فلورفن را در کنترل علف‌های هرز در عدس مورد تأیید قرار داده‌اند. افزایش تأثیر علفکش‌های اکسی فلورفن و پیریدیت در کنترل سلمه‌تره در زمان رسیدگی محصول، نسبت به زمان ۱۵ روز پس از مصرف علفکش، را نمی‌توان به این دلیل دانست که تأثیرات این علفکش‌ها در زمان رسیدگی محصول در اثر گذشت زمان کاهش نیافته است بلکه احتمالاً به دلیل رشد بهتر و بیشتر محصول در بعد از سمپاشی به دلیل کاهش جمعیت علف‌های هرز در این تیمارها و در نتیجه کامل شدن سریع‌تر پوشش کانوپی گیاه در فاصله زمان بین نمونه‌برداری اول پس از سمپاشی تا رسیدگی محصول بوده است که در نتیجه بیوماس سلمه‌تره در این تیمارها کاهش یافته است. در حالی که در تیمار شاهد آلوده به علف هرز رقابت جمعیت بالای علف هرز با محصول سبب شده که کانوپی گیاه عدس نتواند بسته شود و در نتیجه عبور تشعشع از کانوپی منجر به رشد بیشتر و یا جوانه‌زنی این علف هرز شده و سبب افزایش بیوماس سلمه‌تره در این تیمار گردیده است و نتیجتاً سبب شده که ظاهراً اثر بخشی تیمارهای اکسی فلورفن

و پیریدیت بر روی سلمه تره در انتهای فصل رشد نسبت به اثر بخشی آن در ابتدای فصل رشد بیشتر باشد. البته همان طور که قبلاً نیز ذکر گردید وضعیت در مورد علف هرز تاج خروس عکس بوده یعنی با گذشت زمان اثر علفکش‌ها در کنترل آن کم گردیده است که می‌تواند احتمالاً به دلیل تفاوت در عادت رشدی دو علف هرز یاد شده در زراعت عدس یا به دلیل تفاوت اثر علفکش‌ها بر روی آن‌ها بوده باشد.

جدول ۳- نتایج تجزیه واریانس اثرات تاریخ کاشت و تیمارهای کنترل علف‌های هرز بر کاهش وزن خشک

گونه‌های غالب (سلمه و تاج خروس) و مجموع علف‌های هرز پهن برگ

Table3. Analysis of variance of the effects of sowing dates and weed control treatments on dry matter reduction of dominant (Common lamb'squarters and Amaranth) and total broadleaved weeds

S. O. V.	منابع تغییرات	df	میانگین مربعات					
			تاج خروس		سلمه تره		مجموع علف‌های هرز پهن برگ	
			Amaranth		Common lamb' squaters		Total broadleaved weeds	
			۱۵ روز پس از	هنگام رسیدگی	۱۵ روز پس از	هنگام رسیدگی	۱۵ روز پس از	هنگام رسیدگی
	درجه آزادی	df	اعمال تیمارهای	فیزیولوژیکی	اعمال تیمارهای	فیزیولوژیکی	اعمال تیمارهای	فیزیولوژیکی
			پس رویشی	محصول	پس رویشی	محصول	پس رویشی	محصول
			15 days after application	Phys. maturity	15 days after application	Phys. maturity	15 days after application	Phys. Maturity
Replication	تکرار	3	0.03	0.02	0.27	0.01	0.065	0.02
Sowing date	تاریخ کاشت	1	0.09 ^{ns}	0.002 ^{ns}	0.03 ^{ns}	0.003 ^{ns}	0.02 ^{ns}	0.06 ^{ns}
Errors A	خطای (الف)	3	0.07	0.003	0.16	0.006	0.08	0.01
Weed control	کنترل علف‌های هرز (ب)	10	1.08**	0.82**	0.98**	0.92**	0.87**	0.82**
AB	اثر متقابل (الف و ب)	10	0.03 ^{ns}	0.01 ^{ns}	0.07 ^{ns}	0.007 ^{ns}	0.13 ^{ns}	0.01 ^{ns}
Errors B	خطای (ب)	60	0.026	0.01	0.1	0.01	0.09	0.008
CV%	ضریب تغییرات		21.6	12.15	43.49	12.63	27.38	12.47

ns، * و **: به ترتیب غیرمعنی دار، معنی دار در سطح ۵ و ۱٪ احتمال.

ns, * and **: Non significant, significant at the 5 and 1% levels of probability, respectively.

(جدول ۴). از میان تیمارهایی که تنها از یک روش در

کنترل علف هرز استفاده شد بیشترین راندمان مربوط به تیمار اکسی فلورفن با ۶۱ درصد و کمترین راندمان مربوط به علفکش سیانازین به میزان ۲۲ درصد بود. کلیه سطوح کنترل به جز علفکش سیانازین از لحاظ آماری تفاوت معنی داری با شاهد آلوده به علف هرز نشان دادند. در آخرین نمونه برداری یعنی هم‌زمان با رسیدگی فیزیولوژیکی عدس وزن خشک کل علف‌های هرز پهن برگ در کلیه تیمارهای کنترل به طور معنی داری و به میزان ۲۰ تا ۹۳ درصد نسبت به شاهد آلوده به علف هرز کاهش یافت. مقایسه راندمان سطوح مختلف کنترل علف هرز در این زمان نشان داد که تیمارهای تلفیقی یعنی پندیمتالین + وچین دستی، تری فلورالین + وچین

اثر تاریخ کاشت بر کاهش وزن خشک کل علف‌های هرز پهن برگ در هر دو نوبت نمونه برداری بعد از سمپاشی با علفکش‌های پس رویش معنی دار نبود (جدول ۳). راندمان سطوح مختلف کنترل علف‌های هرز در پانزده روز پس از اعمال تیمارهای پس رویشی و نیز هنگام رسیدگی فیزیولوژیکی محصول در سطح ۱ درصد تفاوت معنی داری با یکدیگر داشتند (جدول ۳). در ۱۵ روز پس از سمپاشی با علفکش‌های پس رویشی مجموع وزن خشک علف‌های هرز پهن برگ در تیمارهای مختلف نسبت به شاهد آلوده به علف هرز به طور معنی داری کاهش یافت. در این زمان اثر بخشی تیمارهای تلفیقی بین ۸۵ تا ۹۶ درصد متغیر بوده است

جدول ۴- مقایسه میانگین (دانکن) راندمان تیمارهای مختلف بر کنترل علف‌های هرز غالب و مجموع علف‌های هرز پهن برگ (براساس درصد کاهش وزن خشک علف هرز) پانزده روز پس از تیمارهای پس رویشی و در مرحله رسیدگی فیزیولوژیک محصول

Table 4. Mean comparison of the efficacy of different weed control methods against dominant and broadleaved weeds fifteen days after post-emergence application and at harvest maturity (based on reduction percentage of weed dry matter)

سطوح کنترل علف‌های هرز Weed control levels		تاج خروس (%) Amaranth (%)		سلمه تره (%) Common lamb' squarters (%)		مجموع علف‌های هرز پهن برگ (%) Total broadleaved weeds (%)	
		۱۵ روز پس از اعمال تیمارهای پس رویشی 15 days after application	هنگام رسیدگی فیزیولوژیک محصول Phys. maturity	۱۵ روز پس از اعمال تیمارهای پس رویشی 15 days after application	هنگام رسیدگی فیزیولوژیک محصول Phys. maturity	۱۵ روز پس از اعمال تیمارهای پس رویشی 15 days after application	هنگام رسیدگی فیزیولوژیک محصول Phys. maturity
Tri. + pyr.	تریفلورالین + پیریدیت	93 ^{ab}	92 ^{ab}	100 ^a	96 ^a	85 ^{abc}	86 ^{bc}
Tri. + oxy.	تریفلورالین + اکسی فلورفن	96 ^{ab}	94 ^{ab}	99 ^a	94 ^{ab}	96 ^{ab}	86 ^{bc}
Tri. + han.	تریفلورالین + وجین دستی	94 ^{ab}	90 ^{ab}	98 ^a	96 ^{ab}	87 ^{abc}	88 ^{ab}
Pen. + pyr.	پندی متالین + پیریدیت	96 ^{ab}	89 ^{ab}	99 ^a	98 ^a	85 ^{abc}	85 ^{bc}
Pen. + oxy.	پندی متالین + اکسی فلورفن	95 ^{ab}	87 ^{ab}	99 ^a	99 ^a	92 ^{ab}	88 ^{ab}
Pen. + han.	پندی متالین + وجین دستی	94 ^{ab}	94 ^{ab}	97 ^a	98 ^a	95 ^{ab}	93 ^{ab}
Oxy.	اکسی فلورفن	73 ^b	60 ^c	62 ^{ab}	71 ^b	61 ^{abcd}	64 ^c
Pyr.	پیریدیت	77 ^{ab}	71 ^{bc}	60 ^{ab}	73 ^b	43 ^{cd}	45 ^c
Cya.	سیانازین	4 ^c	12 ^d	39 ^{bc}	27 ^c	22 ^{de}	20 ^d
W.f.	شاهد عاری از علف هرز	100 ^a	100 ^a	100 ^a	100 ^a	100 ^a	100 ^a
W.i.	شاهد آلوده به علف هرز	0 ^c	0 ^c	0 ^c	0 ^d	0 ^e	0 ^e

اختلاف اعداد هر ستون که دارای یک حرف مشترک باشند از نظر آماری بر حسب آزمون چنددامنه‌ای دانکن در سطح پنج درصد معنی‌دار نمی‌باشد.

Means followed by the same letters in each column are not significantly different (Duncan multiple rang test 5%).

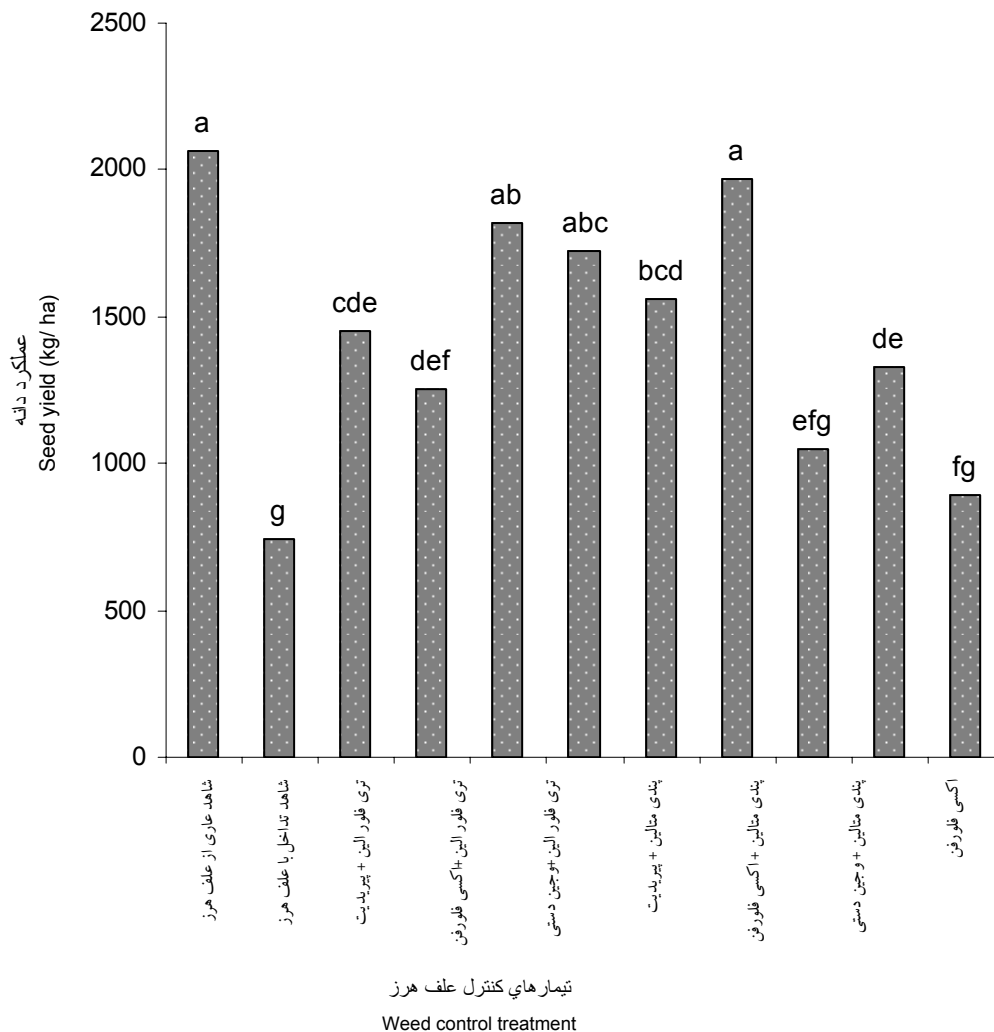
(Hernando, 1987; Singh, 1986; Podlesny, 1995) همان طور که دیدیم تیمارهایی که در آن‌ها علاوه بر علفکش‌های پیش رویشی از علفکش‌های پس رویشی یا وجین در کنترل علف‌های هرز استفاده شده بود کنترل مؤثرتری از علف‌های هرز به عمل آورده اند. سینگ و همکاران (Singh et al., 1994) نیز کارآیی مؤثرتر پندیمتالین + یک وجین دستی را نسبت به کاربرد انفرادی آن‌ها، در کاهش وزن خشک علف‌های هرز عدس گزارش کرده بودند.

تأثیر روش‌های مختلف کنترل علف‌های هرز بر عملکرد دانه عدس معنی‌دار گردید. هر چند علفکش‌های سیانازین و اکسی فلورفن سبب افزایش

دستی، پندیمتالین + اکسی فلورفن، تری فلورالین + اکسی فلورفن، تری فلورالین + پیریدیت و پندیمتالین + پیریدیت به ترتیب با راندمان ۹۳، ۸۸، ۸۶، ۸۶ و ۸۵ درصد بیشترین و تیمار سیانازین با راندمان ۲۰ درصد کمترین اثر بخشی را نسبت به شاهد آلوده به علف هرز داشتند (جدول ۴). تیمارهای پندیمتالین + وجین، پندیمتالین + اکسی فلورفن و تری فلورالین + وجین از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری با شاهد عاری از علف هرز نداشتند. در حالی که کلیه تیمارهای آزمایشی با شاهد آلوده به علف هرز از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری داشتند. سایر محققین نیز نتایج مشابهی با به کارگیری علفکش‌ها در کنترل علف‌های هرز عدس به دست آورده‌اند

۱۸۱۸ کیلوگرم/هکتار) و پندیمتالین + پیریدیت (۱۷۲۲ کیلوگرم/هکتار) از نظر آماری در یک گروه قرار گرفتند. ترکیبات پندیمتالین + وجین، تری فلورالین + وجین و پندیمتالین + پیریدیت به ترتیب عملکرد عدس را به میزان ۵۹، ۵۲ و ۴۷٪ نسبت به شاهد آلوده به علف هرز افزایش داده‌اند.

عملکرد دانه شده‌اند. ولی از لحاظ آماری اختلاف معنی‌داری با شاهد آلوده به علف هرز نشان ندادند (شکل ۱). سایر ترکیبات سبب بهبود عملکرد نسبت به شاهد آلوده به علف هرز شدند. بیشترین عملکرد دانه از شاهد با وجین کامل به میزان ۲۰۶۵ کیلوگرم در هکتار به دست آمد که با ترکیبات پندیمتالین + وجین (۱۹۷۲ کیلوگرم / هکتار) تری فلورالین + وجین



شکل ۱- تأثیر تیمارهای کنترل علف‌های هرز بر عملکرد دانه عدس

Fig. 1. The effects of different weed control methods on lentil seed yield

رقابت بیشتری با گیاه زراعی داده می‌شود که عملکرد دانه کاهش می‌یابد کارآیی مؤثرتر تلفیق علفکش‌ها در افزایش عملکرد عدس توسط محمد و همکاران (Mohamed et al., 1997) و ال رائوف و همکاران

کاهش عملکرد دانه به مقدار زیادی ناشی از عدم مصرف علفکش‌های پیش رویشی و علفکش‌های پس رویشی می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که در اثر ناقص بودن مراحل کنترل، به علف هرز فرصت

کیفیت نامناسب آن بوده است. ولی کاهش محصول در اثر استفاده از اکسی فلورفن به علت گیاه‌سوزی گیاه عدس در اوایل دوره مصرف و نیز ناکافی بودن قدرت آن در کنترل علف‌های هرز در کاربرد انفرادی آن بوده است. به طور کلی با توجه به جدول چهار و شکل ۱ می‌توان گفت که از میان تیمارهای به کار گرفته شده تیمارهای پندیمتالین + وجین، تری فلورالین + وجین و پندیمتالین + پیریدیت می‌توانند به عنوان مناسب‌ترین ترکیبات برای کنترل علف‌های هرز عدس تحت شرایط مشابه در نظر گرفته شوند.

(El-Raouf et al., 1993) مورد تأیید واقع شده است. با توجه به جدول چهار و شکل یک استنباط می‌شود که کاهش رشد علف‌های هرز در اثر مصرف علفکش‌ها سبب افزایش محصول شده است. البته مصرف بعضی علفکش‌ها با وجود نتایج مناسبی که در کنترل علف‌های هرز داده باعث افزایش عملکرد دانه به طرز چشمگیری نشده که دلیلش تأثیرات گیاه‌سوزی آن‌ها بر روی محصول بوده است. (شکل ۱). در این تحقیق کاهش محصول در کرت‌های سمپاشی شده با علفکش سیانازین را باید به دلیل قدرت کمتر آن در کنترل علف‌های هرز دانست که احتمالاً به خاطر

References

- پزشکپور، پ. ۱۳۸۱. کشت پائیزه و زمستانه نخود رهیافتی بر افزایش طول دوره رشد رویشی و زایشی در مناطق نیمه گرم و کاهش اثرات وقوع خشکی و گرما به موجب فرار از خشکی. خلاصه مقالات هفتمین کنگره علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران. صفحه ۸۲.
- تاب، ع. ر. ۱۳۸۰. تعیین دوره بحرانی رقابت و ارزیابی علفکش‌های مختلف در کنترل علف‌های هرز عدس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته شناسایی و مبارزه با علف‌های هرز دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. ۱۴۷ صفحه.
- زند، ا. م. ع. باغستانی، پ. شیمی، س. ا. فقیه. ۱۳۸۱. تحلیلی بر مدیریت سموم علفکش در ایران. نشر آموزش کشاورزی. ۴۱ صفحه.
- Ahuja, K. N., and N. T. Yaduraju. 1995. Efficacy of a few herbicides in mustard, lentil and chickpea under rainfed conditions. *Annals of Agricultural Research* 16(2): 251-253.
- Curan, W. S., L. A. Morrow and R. E. Whitesides. 1987. Lentil (*Lens culinaris*) yield as influenced by duration of wild oat (*Avena fatua*) interference. *Weed Science* 35: 669-672.
- Drew, B. N. 1981. Weed control research in lentil at Saskatchewan. *Lens Newsletter*. 7: 33-34.
- El-Raouf, M. S. A., S. A. Shaban, M. W. A. Hassan and A. M. Rizk. 1993. Effect of some weed control treatments on lentil growth, yield and associated weeds. *Bulletin of Faculty of Agricultural University of Cairo* 44 (3) : 549-570.
- Esser, A. D., J. Brown, and J. B. Davis. 1999. Weed competition of yellow mustard, canola, pea and lentil. *Cruciferae Newsletter* 21: 145-146.
- Hawtin, G. G., and K. B. Singh. 1984. Prospects and potential of winter sowing of chickpea in mediterranean region. p. 7-16. In M. C. Saxena and K. B. Singh (eds.) *Ascochyta blight and winter sowing of chickpeas*. the Netherlands.

- Hernando, J. R. portollo, E. Garcia-orbegozo and T. Fuertes. 1987. Weed survey and control studies on lentil in central Spain. *Lens Newsletter* **14** (1,2) : 12-14
- Kanooni, H. 1995. Status and potential of winter lentil in Iran. P.15-19. In J.D.H. Keating and I. Kusmenoglu (eds.) *Autumn- Sowing of Lentil in the Highlands of West Asia and North Africa*. Central Research Institute for Field Crops, Ankara, Turkey.
- Mishra, J. S., V. P. Singh, and V. M. Bhman. 1996. Response of lentil to date of sowing and weed control in Jabalpur, India, *Lens Newsletter* **23** (1,2) : 18-23.
- Mohamed, E. S., A. H. Noural, G. E. Mohamed, M. I. Mohamed, and M. C. Saxena. 1997. Weed and weed management in irrigated lentil in North Sudan. *Weed Research* **37**: 211-218.
- Podlesny, J. 1995. Evaluation of usefulness of selected herbicides for weed control in lentil. *Materialy. Roslin* **35** (2) : 304-307.
- Saleeb, S. R., K. A. Al-Assily, 2001, Effect of irrigation regime and some weed control treatments on lentil yield and associated weeds. *Annals of Agricultural Science (Cairo)* **46** (2) : 605-617.
- Singh, G., R. K. Mehta and O. P. Singh. 1994. Weed control in lentil under rainfed lowland conditions, *Indian Journal of Pulses Research* **7** (2) : 132-136.
- Singh, K. B., R. S. Malhotra, M. C. Saxena and G. Bejiga. 1997. Superiority of winter sowing over traditional spring sowing of chickpea in the mediterranean region. *Agron. J.* **89**: 112-118.
- Singh, S., K. C. Gautam and R. Prasad. 1986. Studies on weed control in lentil sown after rice under zero tillage. *Lense Newsletter* **16** (1) : 22-27.
- Trivedi, K. K., and J. P. Tiwari. 1986. Herbicidal weed control in lentil. *Lense Newsletter*. **13** (2) : 29-32.
- William, K.V., H. P. Wilson, T. E. Hinse and K. K. Hatzios. 1990. Common lamsquarters (*chenopodium album*) rotational crop response to imazethapyre in pea (*pisum sativum*) and snap bean (*phaseolus vulgaris*). *Weed Technology* **4**: 39-43.

Effects of herbicides and handweeding in control of weed in winter and spring sown lentil (*Lens culinaris*)

H. Karim Mojeni¹, H. M. Alizadeh², N. Majnoon Hoseini³
and S. A. Payghambari⁴

ABSTRACT

Improper sowing date and competition of weeds are the most important constraints in lentil production in Iran. In order to study the effect of sowing date and single and integrated application of herbicides, an experiment was conducted using complete randomized block design in a split plot arrangement with four replications at field station of Tehran University, Karaj (Iran) during 2001-2002 cropping season. Treatments comprised of two date of sowing winter and spring sowing as main plots and eleven weed control methods as sub plots. Weed control treatments were included a pre-emergence application of Cyanazin, post-emergence application of Pyridate and Oxyflourfen, different combination of a pre-plant application of Trifluralin; Pendimethalin each with post-emergence application of Pyridate and Oxyflourfen plus one handweeding ; and finally a weed free and infested plot as controls. *Amaranthus lividus* L. and *Chenopodium album* L. were the predominant weeds. *Xanthium brasiliacum* Vellozo , *Convolvulus arvensis* L., *Solanum nigrum* L., *Melilotus officinalis* L., *Veronica persica* Poir and *Polygonum aviculare* L. were of less importance. Combination of pre-plant application of herbicides with hand weeding or post- emergence application effectively controlled weeds. The combined treatments of Pendimethalin + one handweeding, Trifluralin + one hand weeding and Pendimethalin + Pyridate showed the best results. These treatments effectively controled total broadleaf weeds by 93, 88 and 85 percent, respectively. It was concluded that these treatments are the best for weeds control in lentil crop under coditions similar to those of this experiment.

Key words: Lentil, Integrated herbicide application, Hand weeding, weeds, Pre-emergence, Post- emergence.

1- Prof., of Tehran University.

2- M. S. of Tehran University.

3- Assist. prof., Tehran University.

4- Faculty member of Tehran University.